

تحول در استانداردهای سازماندهی برای اطلاع‌رسانی در ایران

اثر: دکتر مرتضی کوکبی*

(ص ۳۵ تا ۵۶)

چکیده:

اطلاع‌رسانی واژه‌ای است که وظیفه هر کتابخانه را به خوبی بیان می‌کند. زیرا کتابدار است که در برابر انواع اطلاع‌رسانیهایی که در یک جامعه انجام می‌شود با استفاده از اطلاعات نظم‌یافته در کتابخانه خود، می‌تواند اطلاع‌رسانی را به شکل سازمان‌یافته‌تری انجام دهد. اما هرچه این سازماندهی منظم‌تر باشد اطلاع‌رسانی نیز بهتر انجام خواهد شد. یکی از ملزومات اطلاع‌رسانی سازمان‌یافته در هر کشور، شبکه کتابشناختی ملی است. این شبکه، در ایران هنوز تشکیل نشده اما ظرف انتقال داده‌های کتابشناختی در این شبکه، یعنی فرمت مارک ایران، مراحل پایانی خود را در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران طی می‌کند. در این نوشته، پس از بحث پیرامون شبکه کتابشناختی ملی، مارک، مارک ایران، لزوم استانداردسازی فهرستنویسی برای پیاده‌سازی بهینه مارک ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد تا پس از این پیاده‌سازی، جامعه کتابداری ایران از مزایای مارک ایران در شبکه کتابشناختی ایران بهره‌مند شود.

واژه‌های کلیدی: اطلاع‌رسانی، شبکه کتابشناختی ملی، مارک، مارک ایران.

مقدمه

اطلاع‌رسانی، واژه‌ای است که وظیفه هر کتابخانه را به طور کامل بیان می‌کند. اطلاع‌رسانی می‌تواند توسط هر فرد یا نهادی و به روشهای مختلف انجام شود. راننده‌ای که در هنگام رانندگی به هنگام گردش به راست یا به چپ، از راهنمای

* عضو هیأت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز

کتابداری / دفتر ۳۷، ۱۳۸۰

اتومبیل خود استفاده می‌کند به رانندگان و پیادگان پیرامون خود اطلاع می‌رساند که قصد گردش به یک سمت را دارد و به این وسیله آنها را از خطرهای احتمالی آگاه می‌سازد. بخش اطلاعات یک بیمارستان، هنگامی که اطلاعی درباره نشانی اتاقی که بیماری در آن بستری است می‌دهد یک اطلاع را می‌رساند. نظیر این گونه اطلاع‌رسانیها در یک اجتماع بسیار رخ می‌دهد و با توجه به ماهیت کار، نوعی اطلاع‌رسانی است. اما تفاوت عمده این گونه اطلاع‌رسانیها با اطلاع‌رسانی انجام شده در کتابخانه این است که اطلاعات موجود در یک کتابخانه می‌باید سازمان یافته باشند تا بهتر بتوانند به دست جوینده اطلاعات برسند. هر چه اطلاعات موجود در یک کتابخانه سازمان یافته‌تر باشند کتابخانه بهتر می‌تواند به جامعه استفاده کننده خود اطلاعات برساند.

اما پدیده‌ای که در قرن بیستم و بویژه پس از جنگ جهانی دوم رخ داد و در متون کتابداری و اطلاع‌رسانی به انفجار اطلاعات معروف شد اکنون، با تحولاتی که در زمینه فناوری اطلاعات رخ داده است و به راستی باید انفجار هسته‌ای اطلاعات نامیده شود تغییر نگرشی الزامی را در کتابداران به وجود آورده است که شاید بتوان آن را بهترین روش، اما نه لزوماً کاملترین روش، برای مهار این انفجار نامید. استدلال این بود که اگر برای ارائه بهینه خدمات به مراجعان باید مجموعه یک کتابخانه را سازماندهی کرد اگر بتوان مجموعه کتابخانه‌های یک کشور را به گونه‌ای یکسان سازماندهی نمود به طوری که کل کتابخانه‌های یک کشور به مانند یک کتابخانه واحد عمل کنند این ارائه خدمات به گونه‌ای مضاعف انجام می‌شود. این تغییر نگرش الزامی بود زیرا از یک سو هیچ کتابخانه‌ای نمی‌توانست، و اکنون نیز به طریق اولی نمی‌تواند همه مواد اطلاعاتی تولید شده را تهیه کند و از سوی دیگر این پرسش منطقی مطرح می‌شد که اگر موادی در جایی قبلاً برای سازماندهی آماده شده‌اند چه دلیلی دارد که نیرو و وقت کتابدار دیگری در جای دیگری برای سازماندهی همان مواد صرف شود.

تلاش برای عملی ساختن این نگرش، پیش از راهیابی رایانه در کتابخانه‌ها به

صورت تولید فهرستگانهای کتابخانه‌ها در سطوح مختلف انجام شد اما این تلاش، پس از پیدایش رایانه، خیلی زود به صورت شبکه‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی پدیدار گشت. این شبکه‌ها اگر چه در وهله اول، دسترسی به اطلاعات کتابشناختی مربوط به مواد موجود در کتابخانه‌ها و پایگاههای اطلاعاتی مختلف را در سطوح مختلف امکانپذیر می‌ساختند اما چون آگاهی از وجود یک منبع می‌تواند به نوعی موجبات دسترسی به آن منبع را فراهم کند عملاً کتابخانه‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را به وجود آوردند. دانشجویی که مثلاً در استرالیا با استفاده از شبکه اینترنت، مجموعه کتابخانه کنگره آمریکا را جستجو می‌کند و منبع مورد نیاز خود را از طریق امانت بین کتابخانه دانشکده خود و کتابخانه کنگره آمریکا به دست می‌آورد در عمل خود را در کتابخانه‌ای با ابعاد بین‌المللی احساس می‌کند. علی‌رغم گستردگی و گسترش روزافزون شبکه‌ها در جهان، در ایران، جز تعداد معدودی شبکه‌های منطقه‌ای^۱ درون کتابخانه‌ای، شبکه دیگری وجود ندارد. شبکه کتابشناختی ملی که مدتی است در متون کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، به تناوب مورد بحث قرار می‌گیرد هنوز جامه عمل به خود نپوشیده است. به نظر می‌رسد که اهمیت این شبکه و آنچه که برای کتابخانه‌های ایران انجام می‌دهد هنوز آشکار نشده است. شاید دلیل این امر این باشد که هنوز کتابخانه‌ها در ایران جایگاه واقعی خود را نیافته‌اند اما چشم‌انداز آینده جز این را نشان می‌دهد. جامعه ایران رو به اطلاعات نهاده است و جامعه اطلاعاتی به کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی نیاز دارد. اگر آینده‌نگری نشود در آستانه هزاره سوم با بحران رو به رو خواهیم شد. برای گذر از این بحران چه باید کرد؟ آن چه که در پی می‌آید تلاشی است برای شناسایی ابعاد گوناگون این بحران و ارائه رهنمودهای کاربردی برای گذر سالم از این بحران.

شبکه کتابشناختی ملی

پژوهشگری را مجسم کنید که در پشت رایانه خود نشسته و به وسیله شبکه کتابشناختی ملی به اطلاعات کتابشناختی درصد بالایی از مجموعه‌های

کتابخانه‌های کشور دسترسی دارد. با در نظر گرفتن اهمیتی که دسترسی به منابع در پیشبرد امور پژوهشی دارد و با توجه به نقشی که پژوهش می‌تواند در پیشبرد یک جامعه به سوی اهداف از پیش تعیین شده خود داشته باشد از همین جا می‌توان به ارزش شبکه کتابشناختی ملی پی برد. اما اهمیت این شبکه را در سازماندهی مواد می‌توان با مثالی دیگر روشن ساخت. این بار فهرستنویسی را در یک کتابخانه مجسم کنید که قصد دارد یک کتاب را فهرستنویسی بنیادی کند. این فهرستنویس منطقاً نخست باید جستجو کند که آیا این کتاب قبلاً در جای دیگری توسط فهرستنویس دیگری فهرست شده است یا نه. او در شرایط معمولی، می‌تواند جستجوی محدودی را انجام دهد. اما در صورت دسترسی داشتن به پایگاه رایانه‌ای فهرستبرگه‌های موجود در کتابخانه ملی، می‌تواند جستجوی وسیعتری در این پایگاه انجام دهد. در چنین صورتی، اگر او رکورد فهرستبرگه مورد نیاز خود را در این پایگاه بیابد اگر نسخه‌ای از آن را به رایانه خود نیاورد^۲ و به طور خودکار به فهرست رایانه‌ای کتابخانه خود اضافه نکند حداقل می‌تواند به سادگی از روی این فهرستبرگه رونویسی نماید که این به نوبه خود موجب صرفه‌جویی بسیاری در وقت و نیروی یک فهرستنویس خواهد شد. دسترسی به چنین پایگاهی همچنین امکان ایجاد یک فهرستنویسی یکدست را در کشور به وجود می‌آورد زیرا اگر همه فهرست‌نویسان به هنگام فهرستنویسی این کتاب به عمل مشابهی دست بزنند برای یک کتاب یکسان در بسیاری از کتابخانه‌ها رکوردی کاملاً مشابه وجود خواهد داشت. اگر فهرستنویس، رکورد فهرستبرگه مورد نیاز خود را در این پایگاه پیدا نکند می‌تواند فهرستنویسی بنیادی خود را به پایگاه مزبور منتقل^۳ کند و در صورت پذیرش فهرستنویسی او از سوی پایگاه داده‌های فهرستنویسی کتابخانه ملی، فهرست‌نویسان دیگر از آن پس می‌توانند از این رکورد استفاده کنند و به این ترتیب نیز در آینده در وقت و نیروی فهرست‌نویسان بسیاری صرفه‌جویی خواهد شد. به هنگام سفارش مواد در کتابخانه‌ها و در زمانی که کتابدار به اطلاعات کتابشناختی مواد مورد سفارش خود نیاز دارد نیز این پایگاه می‌تواند به او کمک فراوانی کند. در

شرایط کمبود بودجه، کتابدار می‌تواند با استفاده از اطلاعات موجود در این پایگاه، نزدیکترین کتابخانه‌ای که ماده مورد درخواست مراجع را در اختیار دارد نیاز او را برآورده سازد. اگر چه درباره مزایای وجود یک شبکه کتابشناختی می‌توان بسیار سخن گفت اما ذکر چند مثال فوق شاید توانسته باشد اهمیت این شبکه را بنمایاند. شبکه کتابشناختی ملی چگونه به وجود می‌آید. ایجاد این شبکه نیازمند وجود امکانات سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و مخابراتی است. به نظر نمی‌رسد که ایران از بعد امکانات سخت‌افزاری در این مورد مشکلی داشته باشد. شرکت‌های سازنده رایانه چندی است که در کشور شروع به کار کرده‌اند. امکانات دیگر سخت‌افزاری از قبیل کابل‌های نوری نیز در داخل کشور تولید می‌شود. ایران، در زمینه مخابرات نیز کشور عقب مانده‌ای محسوب نمی‌شود. شاید آنچه که بیش از همه در این مورد نیازمند اعتنا است امکانات نرم‌افزاری است. اما این نرم‌افزار چیست؟

شبکه کتابشناختی ملی را می‌توان به مانند راهمایی در نظر گرفت که میان کتابخانه‌های مختلف کشیده شده و در آن به توسط وسایلی، داده‌های کتابشناختی از یک کتابخانه به کتابخانه (های) دیگر منتقل می‌شود. این وسایل، در واقع، ظروفی هستند که مظروفشان داده‌های کتابشناختی هستند. هر یک از این ظروف منطقاً باید به گونه‌ای طراحی شده باشد که در آن، هر یک از داده‌های کتابشناختی جایگاه خاص خود را داشته باشد. مثلاً عنوان باید در جای خود و تاریخ نشر در جای خود قرار گیرند. یکسان بودن یا به سخن دیگر، استاندارد بودن این ظروف باعث می‌شود که پرکردن و خالی کردن آنها با سهولت بیشتری انجام شود. طبیعی است که هر چه این ظروف یکسانتر باشند امکان پر و خالی کردن آنها ساده‌تر می‌شود به گونه‌ای که این عمل می‌تواند به وسیله ماشین هم انجام شود. پر و خالی کردن این ظروف توسط ماشین یا رایانه، آرماترین شکل نقل و انتقال داده‌های کتابشناختی میان کتابخانه‌های مختلف است. این ظروف را فرمتهای فهرست‌نویسی ماشین خوان یا مارک^۴ می‌نامند. در صورتی که این فرمتهای برای انتقال داده‌های کتابشناختی در

سطح ملی به کار روند مارک ملی نامیده می شوند.

مارک ایران: ابزاری برای انتقال داده‌های کتابشناختی در سطح کشور

مارک، متداول‌ترین ابزاری است که به مدت بیش از ربع قرن برای تبادل اطلاعات کتابشناختی به کار می‌رود. با استفاده از مارک، می‌توان داده‌های موجود در یک فهرستبرگه را به گونه‌ای آماده ساخت که رایانه بتواند همه آنها را بخواند و برابر دستور، بر روی هر داده به گونه‌ای مناسب عمل کند. روش کار مارک، با استفاده از فهرستبرگه‌ای که از کتابشناسی ملی ایران (کتابشناسی ملی ایران، ۱۳۶۸، ۲۸۸) استخراج شده در زیر نشان داده شده است:

شکل (۱): یک فهرستبرگه کتابشناسی ملی ایران

نیمایوشیج، مستعار.
برگزیده آثار نیمایوشیج: (شعر) / انتخاب، نسخه برداری و تدوین سیروس طاهباز؛ با نظارت شراگیم یوشیج. - [تهران]: بزرگمهر، ۱۳۶۸، ۳۱۶ ص. - نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
بها: ۱۹۰۰ ریال
۱. شعر فارسی - قرن ۱۴، الف. طاهباز، سیروس، ۱۳۱۷، - گردآورنده.
ب. عنوان.
PIR
۸فا۱/۶۲
۶۸-۱۴۹۴م

در فهرستبرگه کتابشناسی ملی ایران، اطلاعات کتابشناختی، طبق قواعد نشانه گذاری استاندارد بین‌المللی کتابنامه نویسی^۵ در مناطق معینی ارائه شده است. برپایه این قواعد، هر فهرستبرگه به تعدادی منطقه تقسیم می‌شود که این مناطق، با یک «.» و، در صورتی که از سر سطر آغاز شوند بدون این نشانه، مشخص می‌شوند. در درون هر منطقه نیز، داده‌ها با نظم و نشانه‌هایی معین قرار می‌گیرند. مثلاً منطقه

وضعیت نشر که با یک نشانه «.» آغاز شده، یکی از مناطق این فهرستبرگه است که خود دارای سه زیرمنطقه، جای نشر، نام ناشر، و سال نشر می‌باشد.

در مارک، تمامی این مناطق و زیرمناطق، برای خواننده شدن و پردازش سریع به وسیله رایانه، نشانه‌گذاری می‌شوند. مثلاً، منطقه وضعیت نشر در فهرستبرگه بالا به شکل زیر نشانه‌گذاری می‌شود:

@ ۱۳۶۸ \$d بزرگمهر \$b [تهران] \$a ##210#

در این نشانه‌گذاری، برچسب 210، فیلد مربوط به منطقه وضعیت نشر را برای رایانه مشخص می‌کند و فیلدهای فرعی \$a، \$b و \$d امکان شناسایی و عمل بر روی سه زیر منطقه موجود در این منطقه، یعنی تهران، [بزرگمهر]، و ۱۳۶۸ را به وسیله رایانه فراهم می‌آورند. دو نشانه # در عبارت بالا، نشانگر نام دارند و برای هر منطقه، در صورتی که تعریف شده باشند کار بخصوصی انجام می‌دهند. این دو نشانه در نمونه بالا تعریف نشده‌اند زیرا کار مخصوصی از آنها توقع نمی‌رود. اما در مثالی مانند:

ژول ورن \$f و اشعه سبز \$a آمازیا #2001

نشانگر اول که ارزش 1 را به خود گرفته است به رایانه علامت می‌دهد که عنوان، مهم است و باید از روی آن یک شناسه افزوده (یا نقطه دستیابی) ساخته شود. نشانه @ به رایانه علامت می‌دهد که منطقه وضعیت نشر پایان یافته است. برای توضیحات بیشتر پیرامون اصول مارک و ساختار و عناصر متشکله آن می‌توان به مقالاتی که در این زمینه نوشته شده است مراجعه کرد (کوکبی، ۱۳۷۷).

این‌گونه فهرستنویسی رایانه‌ای، امکان تبادل اطلاعات فهرستنویسی و کتابشناختی را میان کتابخانه‌هایی که به رایانه و نیز فرمت مارک مجهزند به بهترین شکل فراهم می‌سازد. با پیدایش شبکه‌های اطلاعاتی در سطح وسیع در جهان، این تبادل اطلاعات در سطحی بسیار گسترده‌تر از گذشته انجام می‌گیرد. علل پذیرش گسترده مارک در میان کتابخانه‌ها و مؤسسات کتابشناختی را می‌توان در دو نکته زیر خلاصه نمود: ۱. توان بالای مارک در انباشت و بازیابی سریع اطلاعات به کمک رایانه، ۲. استاندارد بودن آن در سطح جهان به عنوان ابزاری مناسب جهت تبادل

اطلاعات کتابشناختی و فهرست‌نویسی.

مارک ملی ایران: وضعیت کنونی و چشم‌انداز آینده

پیشینه پروژه مارک که برای نخستین بار در کتابخانه کنگره آمریکا انجام شد به اواخر دهه ۱۹۶۰ بازمی‌گردد. از آن زمان تاکنون کشورهای بسیاری مارکهای ملی خود را تولید کرده و از مزایای آن بهره‌مند شده‌اند. چون شرایط کتابشناختی در انتشارات همه کشورها یکسان نیست و به تبع آن، قواعد فهرست‌نویسی کشورهای مختلف، متفاوت است و نیز، به دلیل وجود خطوط و زبانهای مختلف، نمی‌توان از فرمت مارک یکسانی برای تبادل اطلاعات در جهان استفاده کرد. مارک جهانی یا یونی مارک اساساً فرمتی است که به منظور تبادل جهانی اطلاعات بین کتابخانه‌ها و مراکز کتابشناختی ساخته شده است اما در عین حال، مبنای گسترش چندین مارک ملی قرار گرفته است.

اما مارک، همانند شبکه کتابشناختی ملی، در ایران چندان مورد اعتنا نبوده است. در سال ۱۹۸۹ یکی از اعضای هیأت علمی کتابخانه ملی ایران عدم تمایل کتابخانه ملی را به رایانه‌ای ساختن کتابشناسی ملی ایران ابراز داشت (Soltani, 1989, 32). این نظر در حدود دوازده سال پیش ابراز شد که با توجه به شرایط حاکم بر جامعه کتابداری ایران در آن زمان چندان غیرطبیعی نیز به نظر نمی‌رسد اما به نظر می‌رسد که جامعه کتابداری ایران نیز هنوز اهمیتی برای مارک ایران قائل نمی‌شود. از ۲۳ مقاله‌ای که در "همایش کاربرد و توسعه فهرستهای رایانه‌ای در کتابخانه‌های ایران" که در آبان ماه ۱۳۷۸ در مشهد برگزار شد تنها یک مقاله به مارک ایران اختصاص داشت (همایش کاربرد و توسعه فهرستهای رایانه‌ای در کتابخانه‌های ایران، ۱۳۷۸، ۷) در حالی که هر یک از بیست و دو مقاله دیگر به نوعی به یک یا چند نرم‌افزار کتابخانه‌ای داخلی پرداخته بودند. اگر چه کمیته ملی مارک ایران از مرداد ماه سال ۱۳۷۷ کار خود را رسماً در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد اما اولین گزارش پیشرفت خود را مربوط به مهر ۱۳۷۶ تا مهر

۱۳۷۷ اعلام نمود. به این ترتیب مشخص می‌شود که تا تاریخ "همایش کاربرد و توسعه فهرستهای رایانه‌ای در کتابخانه‌های ایران"، یعنی آبان‌ماه ۱۳۷۸، دو سال و نیم از فعالیت این کمیته در کتابخانه ملی می‌گذشته است. از سوی دیگر، نگاهی به فعالیتهای گزارش از سوی این کمیته، می‌تواند حجم کارهای انجام شده توسط آن را روشن سازد. این کمیته، به استناد "گزارش پیشرفت ۱۲ ماهه طرح «مارک ایران» (مهر ۱۳۷۶ - مهر ۱۳۷۷)" به شرح زیر انجام داده بود:

"در یکساله اخیر (مهرماه ۱۳۷۶ تا مهر ماه ۱۳۷۷) امور زیر در ارتباط با طرح «مارک ایران» انجام گرفته است:

- مکاتبه با سازمانهای بین‌المللی و ملی دست‌اندرکار تهیه فرمتهای استاندارد ماشین‌خوان داده‌های کتابشناختی (مانند ایفلا، ایزو، و غیره) برای مشورت و نظرخواهی.

- گردآوری اسناد و مدارک مورد نیاز برای تدوین مارک ایران و پیگیری مدارک روزآمد.

- بررسی و ارزیابی استانداردهای مختلف جهانی جهت انتخاب مناسبترین فرمت برای مارک ایران.

- مطالعه فرمتهای مختلف مانند یونی‌مارک، یو. اس. مارک، یو. کی. مارک، استانداردهای یونسکو، و مانند آن.

- ملاحظه و ارزیابی پایگاههای اطلاعاتی تهیه شده بر مبنای این فرمتهای.

- تشکیل کمیته ملی مارک ایران و برگزاری نشستهای مختلف برای تصمیم‌گیری در خصوص فرمت مناسب.

- تهیه و توزیع مدارک مختلف توصیفی و تطبیقی درباره فرمتهای مورد بحث، و مطالعه و بررسی این مدارک در نشستهای کمیته ملی.

- انتخاب و تصویب فرمت یونی‌مارک به عنوان مدل مناسب فرمت ملی مارک ایران.

- تهیه و تدوین واژگان کاربردی مناسب برای مارک ایران.

- تهیه و تدوین وظایف کمیته ملی مارک ایران و تقسیم مسؤولیتها.
- تهیه و تدوین فیلدهای مربوط به کتاب در بلوک 0 مارک ایران بر مبنای یونی مارک و تجربیات کتابخانه ملی.
- تهیه و تدوین فیلدهای مربوط به کتاب در بلوک 1 مارک ایران بر مبنای یونی مارک و تجربیات کتابخانه ملی.
- در "گزارش پیشرفت ۶ ماهه طرح «مارک ایران» مهر ۱۳۷۷- اسفند ۱۳۷۷" نیز آمده است:
- "در ۶ ماهه اخیر (مهر ۱۳۷۷ تا اسفند ۱۳۷۷) امور زیر در ارتباط با طرح «مارک ایران» انجام گرفته [بوده] است:
- تماس مداوم با سازمانهای بین المللی دست اندرکار تهیه فرمتهای استاندارد ماشین خوان داده های کتابشناختی (بویژه کمیته مارک ایفلا و سازمان ایزو) برای تبادل نظر و مشورت در مورد جزئیات مورد اختلاف.
- گردآوری و مطالعه مداوم اسناد و مدارک مربوط به فرمتهای کتابشناختی ماشینی، بویژه انتشارات سازمان UBCIM^۶ و OCLC^۷ و پیگیری مدارک روزآمد.
- برگزاری نشستهای کاری کمیته ملی مارک ایران.
- تشکیل گروههای کاری برای امور مربوط به فرمت ماشینی مارک ایران و تدوین فیلدها.
- تهیه و تدوین فیلدهای مربوط به کتاب در بلوک 2 مارک ایران بر مبنای یونی مارک و تجربیات کتابخانه ملی.
- تهیه و تدوین چند فیلد از بلوک 3 مارک ایران بر مبنای یونی مارک و تجربیات کتابخانه ملی.
- تهیه پیوستهای مربوط به بلوکهای فوق.
- تا هنگام برگزاری همایش فوق الذکر نیز، کمیته ملی مارک ایران افزون بر آنچه که در گزارشها ذکر شده بود هفت جلسه دیگر در سال ۱۳۷۸ تشکیل داده و طی آنها مسأله افزونگی اطلاعات را در یونی مارک که قبلاً نیز مورد بحث قرار گرفته بود بار

دیگر مطرح کرده و مورد بررسی قرار داده؛ متن ترجمه شده بلوک 4 را بررسی کرده؛ وازگان بازنگری شده مارک ایران را در اختیار کمیته قرار داده و مسائل عملی پیاده‌سازی مارک ایران را به عنوان فرمت داخلی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده بود. پرسش جدی که در اینجا باید مطرح شود این است که چگونه است که پس از حدود دو سال و نیم از فعالیت کمیته ملی مارک ایران، از بیست و سه مقاله در یک همایش مربوط به فهرستهای رایانه‌ای در کتابخانه‌های ایران، تنها یک مقاله به مارک ایران اختصاص می‌یابد. دلیل این امر، شاید این باشد که کمیته مزبور، اطلاع‌رسانی کافی درباره مارک ایران انجام نداده است اما حتی اگر این نکته درست باشد باز جای این پرسش مطرح است که چگونه جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران، پس از حدود ربع قرن که از پیدایش مارک در جهان می‌گذرد هنوز اعتنای چندانی به مارک ایران ندارد.

آنچه که در بالا ذکر شد شاید نشان دهنده درک اهمیت کاربرد رایانه در کتابخانه توسط کتابداران ایرانی باشد اما می‌تواند بیانگر این مفهوم نیز باشد که اهمیت استانداردسازی کاربرد این ابزار، بویژه در امر سازماندهی مواد پذیرفته نشده است. در هر حال، جلسات کمیته ملی مارک ایران هنوز هم ادامه دارد اما به نظر می‌رسد جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران هنوز آمادگی پذیرش مارک ایران را ندارد.

مارک ایران در شبکه کتابشناختی ملی: پیشنهادی برای حل مشکلات آینده

فرض کنید در آینده‌ای نه چندان دور، شبکه کتابشناختی ملی ایران تشکیل شده است و فرمت مارک ایران در این شبکه، وظیفه نقل و انتقال داده‌های کتابشناختی بین کتابخانه‌های مختلف را برعهده دارد. بررسی این نکته که در چنین حالتی کتابخانه‌های ایران از چه مزایایی برخوردار خواهند بود شاید بتواند به تعمیق پذیرش مفهوم مارک ایران در جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران کمک نماید:

۱. وجود یک فرمت مارک ملی که مورد استفاده همه کتابخانه‌های ایران باشد حداقل به دو دلیل، فهرستنویسی را استانداردتر می‌سازد:

الف. مارک در صورتی می‌تواند اطلاعات کتابشناختی را به بهترین شکل ممکن به وسیله رایانه منتقل کند که این اطلاعات، استاندارد باشد. در مثال مربوط به شکل ۱، اگر کتابخانه‌ای اطلاعات مربوط به وضعیت نشر را به صورت:

@ ۱۳۶۸ \$d بزرگمهر \$b [تهران] \$a ##\$ 210#

و کتابخانه دیگری مثلاً به شکل:

@ ۱۳۶۸ \$d انتشارات بزرگمهر \$b [تهران] \$a ##\$ 210#

ذخیره کند این احتمال وجود دارد که رایانه به هنگام بازیابی این دو رکورد براساس نام ناشر، دچار اشکال گردد. لذا هرچه فهرستنویسی استانداردتر باشد امکان موفقیت مارک ایران بیشتر است. به عبارت دیگر، یکی از ملزومات پیاده‌سازی مارک در سطح ملی، فهرستنویسی استاندارد است.

ب. در مواردی مارک ایران می‌تواند خود، فهرستنویسی را استانداردتر سازد. برای مثال، در بلوک 3-- که به یادداشتهای اختصاص دارد همه یادداشتهای با برچسبهای مشخص شده‌اند که ترتیب آنها می‌تواند به ارائه این یادداشتهای در یک رکورد، نظم بخشد. مثلاً، یادداشتهای مربوط به مسئولیت معنوی اثر که با برچسب 314 مشخص می‌شوند پیش از یادداشتهای مربوط به کتابنامه، واژه‌نامه، و نمایه‌های داخل اثر که با برچسب 320 نمایش داده می‌شوند قرار می‌گیرند. این دو، پیش از یادداشتهای مربوط به فاکسی مایل و بازتکثیر قرار می‌گیرند که با برچسب 324 نشان داده می‌شود و هر سه این یادداشتهای قبل از یادداشتهای مربوط به مندرجات که دارای برچسب 327 است آورده می‌شوند. یکی از آشکارترین نتایج استانداردسازی فهرستنویسی، تسهیل تولید فهرستگان ملی است. جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران تجربه ناموفق تولید یک فهرستگان ملی از فهرستبرگه‌های فارسی کتابخانه‌های ایران توسط مرکز خدمات کتابداری در سال ۱۳۴۹ را فراموش نمی‌کند. این امر را می‌توان تا حدودی معلول نبود فهرستنویسی یکدست در

کتابخانه‌های ایران دانست زیرا فهرستگان کتابهای لاتین کتابخانه‌های ایران، احتمالاً به دلیل استانداردتر بودن فهرستنویسی آنها خیلی زود تولید شد. اهمیت وجود یک فهرستگان ملی نیز برای جامعه کتابداری ایران روشن است.

۲. خودکاری در کتابخانه‌های ایران، به هر دلیلی، روند سریعی یافته است.

نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای فراوانی نیز در ایران تولید شده‌اند. تا آنجا که نگارنده می‌داند از سال ۱۳۶۷ که برای اولین بار نرم‌افزار تولید شده سازمان یونسکو با نام CDS-ISIS^۸ به عنوان نرم‌افزاری قابل استفاده برای مجموعه‌های انگلیسی زبان در کتابخانه بیمارستان امام رضا(ع) در اولین سمینار کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در مشهد مقدس به نمایش گذارده شد تاکنون نرم‌افزارهایی با نامهای "برنا"، "کتابدار"، "نما"، "کوربیس ۱"، "گام انفورماتیک"، "یکان"، "کاوش" و "گنجینه" در ایران وارد بازار شده‌اند. نرم‌افزارهای CDS-ISIS فارسی، "پارس آذرخش" و "نوسا" از دیگر نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای هستند که بعد از نرم‌افزارهای پیش گفته به نظر می‌رسد در سطح وسیعی از کتابخانه‌های ایران به کار گرفته شده‌اند. دانشگاه آزاد اسلامی نیز اخیراً نرم‌افزاری خاص کتابخانه‌های خود تولید کرده است. نرم‌افزاری نیز به نام "سیستم جامع کتابخانه‌ای پویا" به تازگی پا به عرصه وجود گذاشته است. به نظر می‌رسد که نگرش کنونی در استفاده از نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای، کماکان نگرشی غیرشبه‌کلی است و کتابداران نیز به نرم‌افزارهای خود به عنوان یک برگه‌دان رایانه‌ای می‌نگرند. استفاده از هر یک از این نرم‌افزارها که به نظر نمی‌رسد سازگاری چندانی با یکدیگر داشته باشند موجب پراکندگی در فهرستنویسی می‌شود. یک فرمت مارک ملی برای ایران، اتلاف وقت، انرژی، و بودجه خاص فهرستنویسی بنیادی تکراری را که حتی در شکل رایانه‌ای آن نیز، با این فرمت‌های متفاوت انجام می‌شود به میزان زیادی کاهش می‌دهد.

۳. برای مجموعه‌های بزرگ بسیاری از کتابخانه‌های ایران که هنوز

فهرستنویسی نشده، فهرستنویسی گذشته‌نگر^۹ پدیده‌ای است که به ناچار در آینده نزدیک باید به آن پرداخت. وجود یک فرمت مارک ملی، هم از نظر استانداردسازی

بیشتر فهرستنویسی و هم از نظر مشارکت داده‌های فهرستنویسی می‌تواند بسیار سودمند باشد.

۴. کتابخانه‌های بسیاری در ایران برای فهرستنویسی مجموعه‌هایشان به کتابشناسی ملی ایران متکی هستند اما انتشار با تأخیر کتابشناسی ملی ایران این کتابخانه‌ها را ناچار می‌سازد به میزان چشمگیری فهرستنویسی بنیادی انجام دهند که طبعاً استاندارد نیست زیرا مجموعه قواعدی که به کمک آن بتوان فهرستنویسی استاندارد برای انتشارات ایرانی انجام داد وجود ندارد. تا سال ۱۳۷۳ هیچگونه قواعدی که خاص انتشارات ایرانی و با در نظر گرفتن ویژگیهای انتشارات ایرانی باشد وجود نداشت زیرا نخستین ترجمه‌ای که از قواعد فهرستنویسی انگلو-امریکن در ایران انجام گرفت (قواعد فهرستنویسی انگلو-امریکن، ۱۳۵۴) صرفاً ترجمه نیمی از این مجموعه قواعد و فاقد مثالهای فارسی بود و جز در موارد خاص، به ندرت به عنوان یک مجموعه قواعد مدون برای فهرستنویسی انتشارات ایرانی مورد استفاده قرار گرفت. ترجمه دوم این مجموعه قواعد که در سال ۱۳۷۱ از سوی معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی انتشار یافت (قواعد فهرستنویسی انگلو-امریکن، ۱۳۷۱) می‌توانست از سوی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مبنای تولید یک مجموعه قواعد برای فهرستنویسی انتشارات ایرانی مورد استفاده قرار گیرد اما این کار انجام نگرفت. در سال ۱۳۷۳ مجموعه قواعدی از سوی همین کتابخانه که مدعی است قواعد فهرستنویسی انگلو-امریکن را برای انطباق آن با شرایط کتاب‌شناختی ایران تغییر داده است (کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵، ۸) انتشار یافت (صدیق بهزادی، ۱۳۷۳) اما شایان ذکر است که تنها در صفحه ۱۱ همین کتاب به ذکر یک جمله: "ویرایش دوم انگلو-امریکن به فارسی ترجمه شده است." و پانویسی که مشخصات کتابشناختی این ترجمه را ذکر کرده است اشاره شده اما هیچ اشاره‌ای به این نکته که ارتباط این دستنامه با ترجمه فوق‌الذکر چیست نشده است. این کتاب نیز به دلایلی که در زیر خواهد آمد نمی‌تواند دستنامه‌ای جامع برای فهرستنویسی انتشارات ایرانی باشد.

فرض کنید فهرستنویسی به هنگام فهرستنویسی کتابی که دارای تصاویری با ماهیتهای گوناگون است می‌خواهد بداند که این تصاویر را به چه ترتیبی باید در فهرستبرگه وارد نماید. قواعد فهرستنویسی انگلو- امریکن در این مورد چنین دستور می‌دهد:

"2.5C2. در صورتی که تصویرها از یک یا چند نوع زیر و دارای اهمیت باشند، آنها را با اصطلاح یا نشانه اختصاری مناسب (به ترتیب زیر) مشخص کنید: نمودار، نشان دولتی یا خانوادگی، چاپ عکسی، شکل، جدولهای شجره‌نامه‌ای [تبارشناختی]، نقشه، موسیقی، طرح [،] تصاویر، [عکس] [ظاهراً، تصاویر [عکس] صحیح است.) اشخاص (هم برای تصویرهای فردی و هم تصویرهای جمعی)، نمونه [.] انواع دیگر را با واژه مصور مشخص کنید." (قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن، ۱۳۷۱، ۱۳۶) همین قاعده در کتاب "دستنامه قواعد فهرستنویسی" به شرح زیر است:

"2.5C2. در صورتی که تصویرها از یک یا چند نوع و دارای اهمیت باشند، آنها را با ذکر مشخصات خود بعد از واژه مصور بیاورید." (صدیق بهزادی، ۱۳۷۳، ۴۹)

همانگونه که ملاحظه می‌شود "قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن" دستوری بسیار دقیقتر از "دستنامه قواعد فهرستنویسی" در این مورد ارائه می‌دهد. دستور ارائه شده در "قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن" خود نیاز به تصحیح دارد زیرا در آن، مثلاً، کلمه "شکل" معادل Form انگلیسی در نظر گرفته شده که در زبان فارسی بیشتر، همان "فرم" گفته می‌شود، مثل "فرم ثبت نام" یا "فرم انتخاب واحد" نه، "شکل ثبت نام" یا "شکل انتخاب واحد"؛ یا مشخص نشده که اگر در کتابی، عکس فرد یا افرادی وجود داشت آن را باید با کلمه "عکس" توصیف کرد یا "تصویر"، در حالی که این کلمه که معادل Portrait انگلیسی گرفته شده است باید "عکس" نوشته شود. اما این دستور از کتاب "دستنامه قواعد فهرستنویسی" در این مورد و موارد متعدد دیگر بسیار "استانداردتر" است. مزیتی که "دستنامه قواعد فهرستنویسی" نسبت به "قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن" دارد این است که اولی دارای مثالهای فارسی است و در واقع باید گفت که هیچ مثال انگلیسی ندارد اما دومی تنها مثالهای

متن انگلیسی را آورده است. با این همه اگر معیار "استاندارد" بودن مدنظر باشد اولویت در انتخاب، با "قواعد فهرستنویسی انگلوامریکن" است. حال اگر مثالهای فارسی نیز به این مجموعه قواعد افزوده شود و برخی نارساییها نیز در آن رفع شود "استانداردی" مناسب برای فهرستنویسی توصیفی فراهم خواهد شد. در هر حال، ملاحظه می‌شود که در حال حاضر، استاندارد برای فهرستنویسی انتشارات ایرانی وجود ندارد و حتی اگر تنها این دو این استاندارد برای فهرستنویسی مورد استفاده قرار گیرند باز هم فهرستنویسی توصیفی متفاوتی در کتابخانه‌های مختلف به وجود خواهد آمد. یک فرمت مارک ملی که انتشار کتابشناسی ملی را رایانه‌ای می‌سازد این کتابشناسی را روزآمد خواهد ساخت و کتابخانه‌هایی را که از رایانه استفاده نمی‌کنند قادر می‌سازد تا با سرعت بیشتری از فهرستنویسی انجام شده در کتابشناسی ملی ایران که در هر صورت، استانداردتر از فهرستنویسیهای دیگر است بهره‌گیرند.

۵. یک فرمت مارک ملی که مورد استفاده ناشران ایرانی قرار گیرد می‌تواند داده‌های لازم برای فهرستنویسی پیش از انتشار را بطور پیوسته^{۱۰} به کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منتقل کند و به این وسیله پوشش کتابشناسی ملی را گسترش دهد. در صورتی که سیاهه فهرستنویسی پیش از انتشار به کتابشناسی ملی افزوده شود این کتابشناسی، که نمایه‌های متعدد و سودمندی نیز دارد می‌تواند خبر انتشارات جدید را نیز، به همین وسیله و بسیار سریعتر از گذشته به آگاهی علاقه‌مندان برساند.

۶. انتشارات دولتی به دلیل اطلاعات بسیار مستندی که دارند همواره مورد نیاز پژوهشگران بوده‌اند. در عین حال، شمارگان اندک این نشریات، امکان اطلاع‌رسانی درباره آنها و دسترسی به آنها را بسیار مشکل می‌سازد. تا آنجا که نگارنده می‌داند تاکنون هیچ ابزاری که اطلاعات کاملی درباره انتشارات دولتی در اختیار پژوهشگران قرار دهد در ایران منتشر نشده است. انجام این مهم بر عهده کتابشناسی ملی است. اما کتابخانه ملی همواره از دسترسی ناکافی به انتشارات

دولتی گله‌مند بوده است. در مقدمه تعدادی از کتابشناسیهای ملی جمهوری اسلامی و از جمله در یکی از کتابشناسیهای ملی سال ۱۳۶۲ در این مورد چنین نوشته شده است: "در کتابشناسی ملی سال ۱۳۶۲ چون سالهای گذشته جز به تصادف انتشارات دولتی ایران فهرست نشده است و این نیز از جمله نقایصی است که در آینده نزدیک باید جبران شود و سازمانهای دولتی نیز مانند دیگر ناشران ارسال کتاب به کتابخانه ملی را هدفی جدی و فرهنگی تلقی کنند و مجموعه آن را غنی و متکامل سازند." (کتابشناسی ملی ایران، ۱۳۶۵، ۱۱). در صورتی که سازمانها و مؤسسات دولتی نیز از فرمت مارک ملی برای انتقال پیوسته داده‌های مربوط به انتشارات خود به کتابخانه ملی استفاده کنند پوشش کتابشناسی ملی ایران از نظر انتشارات دولتی نیز بسیار کاملتر از گذشته خواهد شد.

۷. مجموعه‌های بسیار بزرگی به زبان فارسی در سرتاسر جهان وجود دارند. تبادل سریع و کافی اطلاعات کتابشناختی و فهرستنویسی بین کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و مؤسسات دارای این مجموعه‌ها با استفاده از فرمت مارک ملی ایران امکانپذیر خواهد بود. در حالت پیشرفته این شبکه کتابشناختی ملی، هر کتابخانه‌ای که عضو این شبکه باشد نیز می‌تواند مستقیماً با این مؤسسات تبادل اطلاعات کتابشناختی و فهرستنویسی داشته باشد.

۸. همانگونه که قبلاً نیز استدلال شد برای توسعه شبکه کتابشناختی رایانه‌ای ملی، وجود یک فرمت مارک ملی از ضروریات است به طوری که با قاطعیت می‌توان ادعا کرد که راه‌اندازی شبکه کتابشناختی رایانه‌ای ملی، بدون در اختیار داشتن یک فرمت مارک ملی میسر نخواهد بود.

بازنگری مسأله و بررسی راه‌حلا

برای آمادگی جهت رویارویی با بحران، و ارائه راه حلی برای مسأله شاید بهتر باشد یک بار دیگر مسأله مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، همانطور که معمولاً برای حل هر مسأله‌ای، نخست معلومات و سپس مجهولات بررسی می‌شوند و

آنگاه با ایجاد رابطه (هایی) میان معلومات و مجهولات، تلاش می‌شود که مسأله را حل کرد در اینجا نیز بررسی کنیم که معلومات چیست، مجهولات چیست و با ایجاد رابطه میان این دو به حل مسأله اقدام کرد. معلومات عبارت است از: رایانه‌ها به هر دلیلی در کتابخانه‌های ایران به کار گرفته شده‌اند؛ با افزایش هزینه‌های مربوط به تهیه مواد کتابخانه و کاهش بودجه کتابخانه‌ها، سال به سال امکان ارائه خدمات به مراجعان کمتر می‌شود؛ جامعه ایرانی، جامعه‌ای است که بویژه پس از تحولات اخیر، به اطلاعات نیاز دارد و به این نیاز، باید موادی را که برای انجام پژوهشهای متفاوت در سطوح رسمی و غیررسمی مورد نیاز است افزود؛ و شاید این نکته که جامعه اطلاعاتی ایران نیز مانند خود کتابداران از وجود ابزارهای نوین اطلاع‌رسانی مانند شبکه‌ها مطلع است و طبعاً توقع دارد که این ابزارها در کتابخانه‌ها، که جایگاه اصلی اطلاع‌رسانی هستند بیش از سایر نقاط به کار گرفته شود. مجهولات نیز عبارت است از اینکه: چگونه می‌توان از ابزار موجود به گونه‌ای استفاده کرد که کاملترین اطلاعات، در سریعترین زمان ممکن و با کمترین هزینه به دست جوینده اطلاعات برسد، یعنی آنچه که به عبارتی، هدف هر کتابخانه است.

راه‌حلی که با برقراری رابطه میان معلومات و مجهولات یافت می‌شود عبارت است از اینکه: رایانه‌های موجود در کتابخانه‌ها را می‌توان به یکدیگر متصل نمود و از این طریق، حجم عظیمی از اطلاعات را به طور مشترک در اختیار تعداد زیادی کتابخانه قرار داد. برای انتقال این حجم عظیم اطلاعات، باید ظرفی یک شکل که بتوان اطلاعات کتابشناختی و فهرستنویسی را به سادگی در آن ریخت یا از آن برداشت در اختیار داشت. این ظرف هم اکنون در بسیاری از کشورها به انجام این مهم اشتغال دارد و مارک نامیده می‌شود. مارک، یک فرمت فهرستنویسی است و ساختار آن بسیار مبتنی بر فهرستبرگه است، یعنی اطلاعات قابل انتقال باید به شکل فهرستنویشته در این فرمت قرار داده شوند. بنابراین، فهرستنویسی باید استاندارد باشد. به سخن دیگر، هر چه لزوم ارتباط میان کتابخانه‌ها بیشتر باشد لزوم استاندارد شدن فهرستنویسی بیشتر می‌شود.

پیش‌بینی می‌شود که مارک ایران از دو نظر با مقاومتی مضاعف رو به رو شود. مقاومت نخست، ماهیتی اقتصادی خواهد داشت زیرا کتابخانه‌هایی که اکنون بعضاً نرم‌افزارهای جامع کتابخانه‌ای را به مبلغ حدود هفده میلیون ریال تهیه می‌کنند در برابر تبدیل آن به نرم‌افزاری دیگر، در صورت هزینه‌مند بودن، مقاومت شدیدی خواهند کرد. راه‌حلی که برای این مقاومت به نظر می‌رسد این است که از طراحان نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای خواست که ویرایشهای جدید نرم‌افزار خود را در راستای سازگاری بیشتر با مارک ایران تغییر دهند. تعدادی از نرم‌افزارهای کنونی دارای فرمت خروجی استاندارد ISO 2709 هستند که ساختار رکورد مارک است اما می‌توان سازگاری بیشتری از این نرم‌افزارها انتظار داشت و میزان این سازگاری را نوعی امتیاز برای این نرم‌افزارها به حساب آورد.

مقاومت دوم می‌تواند ناشی از دشواری کار با مارک ایران باشد. همانگونه که در مثال توضیح داده شد در مارک، هرگونه داده‌ای در فهرستبرگه کدگذاری می‌شود تا به وسیله رایانه قابل خواندن و پردازش باشد. به تناسب قواعد فهرستنویسی مورد استفاده در کتابخانه، این کدگذاریها می‌تواند طیفی از سادگی به دشواری را بپوشاند. برای بسیاری از کدهای به کار رفته در مارک ایران، ارزشهای متفاوتی مورد استفاده است که به نوبه خود بر دشواری کار می‌افزاید. این دشواری، می‌تواند تحت لوای مقاومت اول نیز خود را نشان دهد. برای رویارویی با این مقاومت، نخست باید در جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران آمادگی برای پذیرش مارک ایران را به وجود آورد. این آمادگی را کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با برگزاری سخنرانی در نقاط مختلف کشور، انتشار بروشورهایی درباره مارک ایران و مزایایی که دارد و نیز با استفاده از رسانه‌های گروهی ایجاد کند. برگزاری دوره‌های مختلف در سطوح متفاوت برای آشنایی با مارک ایران نیز از جمله اقداماتی است که می‌تواند در راستای آشنایی نسل جوان کتابدار با مارک ایران، ابزار مؤثری باشد. این دوره‌ها می‌تواند در سرفصلهای دوره‌های رسمی آموزش کتابداری و اطلاع‌رسانی گنجانیده (کوکبی، ۱۳۷۶) یا به صورت دوره‌های بازآموزی برای

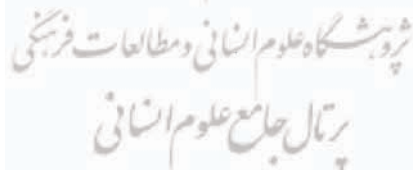
کتابداران قدیمتر انجام شود. هنگامی که جامعه کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران با مزایای مارک ایران آشنا شود با آغوش باز به استقبال آن خواهد آمد. در چنین صورتی، آمادگی فنی کتابداران برای کار با مارک ایران یکی از راههای تسریع دستیابی به اهداف مارک ایران خواهد بود. برای ایجاد این آمادگی، باید فهرستنویسی استاندارد را به وجود آورد.

استانداردسازی فهرستنویسی می‌تواند به طرق مختلف انجام گیرد: ایجاد یک استاندارد به معنای واقعی کلمه برای فهرستنویسی انتشارات ایرانی. کتابخانه ملی می‌تواند کتاب قواعد فهرستنویسی انگلو امریکن را به عنوان مبنایی برای تهیه این استاندارد انتخاب کند و سپس با تشکیل کمیته ملی فهرستنویسی این استاندارد را به وجود آورد. این کمیته باید همواره در روزآمد سازی این استاندارد بکوشد و با ایجاد یک گروه بحث^{۱۱} که به صورت پیوسته در دسترس کتابداران باشد امکان طرح سؤال و گرفتن پاسخ را برای آنان فراهم کند. برگزاری سمینارهایی در سطوح ملی نیز برای بررسی مشکلات فهرستنویسی و یافتن راه‌حلهای می‌تواند اقدام مؤثری باشد.

مارک ایران می‌تواند حلال بسیاری از مشکلاتی باشد که کتابخانه‌های ایران اکنون درگیر آنها هستند و یا در آینده با آن رو به رو خواهند شد. این مشکلات، می‌توانند در آستانه ورود به هزاره سوم، کتابخانه‌های ایران را با بحران رو به رو سازند. عزمی جزم در سطح ملی لازم است تا بتوان بر این مشکلات غلبه کرد. مارک ایران می‌تواند تجسم این عزم جزم ملی باشد.

پانوشته‌ها:

1. *Local Area Network*
2. *Download*
3. *Upload*
4. *Machine - Readable Cataloging (MARC) Formats*
5. *International Standard Bibliographic Description (ISBD)*
6. *Universal Bibliographic Control and International MARC Programme*
7. *Online Computer Library Center*
8. *Computerized Documentation System - Integrated Set of Information Systems*
9. *Retrospective cataloging*
10. *online*
11. *Discussion group*



منابع:

۱. صدیق بهزادی، ماندانا. دستنامه قواعد فهرستنویسی. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳
 ۲. قواعد فهرستنویسی انگلوماریکن / انجمن کتابداران آمریکا ... [و دیگران]؛ ترجمه رحمت‌الله فتاحی؛ ویراسته اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی. معاونت فرهنگی، ۱۳۷۱
 ۳. قواعد فهرستنویسی انگلو - امریکن / تهیه شده به وسیله انجمن کتابداران آمریکا... [و دیگران]؛ مترجمان مهوش ابوالضیاء ... [و دیگران]. [تهران]: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی. مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۴
 ۴. کتابخانه ملی ایران. کتابشناسی ملی ایران، نیمه اول ۱۳۶۲، شماره ۵۱. تهران: کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵. ۸
 ۵. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. کتابشناسی ملی ایران، نیمه اول ۱۳۶۸، شماره ۶۳. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱. ۲۸۸
 ۶. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. معاونت خدمات فنی و عمومی. گزارش پیشرفت ۱۲ ماهه طرح «مارک ایران» (مهر ۱۳۷۶ - مهر ۱۳۷۷).
 ۷. کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. معاونت خدمات فنی و عمومی. گزارش پیشرفت ۶ ماهه طرح «مارک ایران» مهر ۱۳۷۷ - اسفند ۱۳۷۸.
 ۸. کوکبی، مرتضی. نگاهی به دروس "سازماندهی مواد"، فصلنامه کتاب، دوره ۸، شماره ۳ (پاییز ۱۳۷۶). ۵۷ - ۶۹.
 ۹. کوکبی، مرتضی. "مارک ایران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره سیزدهم، شماره‌های ۱ و ۲ (پائیز ۱۳۷۶ و بهار ۱۳۷۷، پیاپی ۲۵ و ۲۶). ۸۱ - ۹۳.
 ۱۰. همایش کاربرد و توسعه فهرستهای رایانه‌ای در کتابخانه‌های ایران، مشهد: ۲۷ و ۲۸ آبان ۱۳۷۸: چکیده مقالات / گروه آموزشی کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، [۱۳۷۸].
11. Soltani, Poori. 'Iranian national bibliography: an approach to new standards'. *International Cataloguing and Bibliographic Control*, 18 (2), April/June 1989.- 30-32.